

تاریخچه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

عنوان پژوهش

شورای سلطنت

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۳۸

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۸/۱۰



شناسنامه

عنوان:

تاریخچه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
شورای سلطنت

مؤلف:

ابوالفضل درویشوند

دفتر مطالعات ساختارها و نهادهای اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۸/۱۳۹۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۸/۱۰

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
پیشینه شورای سلطنت.....	۴
تشکیل شورای سلطنت و تعیین اعضای آن.....	۶
موضع حضرت امام خمینی (ره) در رابطه با شورای سلطنت.....	۱۰
هدف شورای سلطنت.....	۱۳
عملکرد شورای سلطنت.....	۱۴
انحلال شورای سلطنت.....	۱۶
جمع بندی.....	۱۸
منابع و مأخذ.....	۱۹

چکیده

از آخرین تلاش‌های شاه برای حفاظت از سلطنت تشکیل شورای سلطنت بود. شاه پس از تعیین بختیار به عنوان نخست وزیر اقدام به تعیین اعضای شورای سلطنت نمود. امام خمینی(ره) شورای مذکور را پیش از تشکیل و پس از تعیین اعضای آن، فاقد مشروعیت دانسته و اعضای آن را مکلف به عدم حضور در آن دانستند. این شورا در دوره فعالیت خود علاوه بر انجام برخی از وظایف مربوط به مقام سلطنت، برخی اقدامات را برای مصالحه با انقلابیون انجام داد که نتیجه بخش نبود. شورای سلطنت در مجموع سه جلسه تشکیل داد و با پیروزی انقلاب اسلامی و استعفاء و یا فرار برخی از اعضای آن منحل شد. یکی از مهمترین اتفاقات مربوط به شورای سلطنت دیدار رئیس آن با امام و استعفای وی از مقام ریاست شورا و اعلام غیر قانونی بودن آن بود که سقوط نظام سلطنتی را سرعت بخشید.

واژگان کلیدی: شورای سلطنت، توشیح، استعفاء، شاه

مقدمه

در سال آخر حکومت پهلوی تلاش‌های بسیاری برای تداوم سلطنت و مقابله با انقلاب و مهار آن انجام شد. از جمله این تلاش‌ها تغییرات نخست وزیران بود که موجب شد از تیر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷ چهار دولت تغییر کنند.^(۱) در این دوره دولتها یکی پس از دیگری به دلیل ناتوانی کنترل اوضاع سقوط کرده و جای خود را به دولت بعدی می‌دادند. یکی از اقداماتی که در اواخر دوره حکومت پهلوی و پیش از انقلاب اسلامی با هدف کنترل اوضاع و کاهش شتاب انقلاب و مدیریت آن تشکیل شد نهاد شورای سلطنت بود. شاه پس از تعیین بختیار به عنوان نخست وزیر و با پذیرش خروج از کشور^(۲)، اقدام به تعیین اعضای شورای سلطنت نمود تا در غیاب وی وظایف نهاد سلطنت را انجام دهد. در ادامه به بررسی این نهاد می‌پردازیم.

۱. ازغندی، علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲، ص ۲۵۴ و نوریان، عبدالحسن، ناپایداری کابینه‌ها در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵.

۲. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، بی تا، بی نا، ص ۲۶۹.

پیشینه شورای سلطنت

در قانون اساسی مشروطه دو روش برای انجام وظایف سلطنت در زمانی که شاه نمی‌تواند اداره امور را عهده‌دار باشد در نظر گرفته شده بود. به موجب اصل سی و هشتم متمم قانون اساسی مشروطه که در سال ۱۳۴۶ اصلاح شده بود، در هنگامی که شاه به هر دلیلی نمی‌توانست به صورت دائمی متصدی امور سلطنت شود، باید ولیعهدی که به سن بیست سال تمام رسیده بود شخصاً امور سلطنت را بر عهده گیرد. اگر سن ولیعهد کمتر بود تا زمانی که وی به این سن برسد، مادر ولیعهد امور نیابت سلطنت را بر عهده می‌گرفت، مگر اینکه شاه فرد دیگری را به عنوان نایب السلطنه تعیین می‌کرد. نایب السلطنه وظایف سلطنت را با مشورت شورایی مرکب از نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین و رئیس دیوان عالی کشور و چهار نفر از اشخاص خبیر و بصیر کشور به انتخاب خود انجام می‌داد.^(۱) در شهریور سال ۱۳۴۶ مجلس موسسان با توجه به اینکه ولیعهد به سن قانونی نرسیده بود تصویب کرد که مادر ولیعهد تا زمان رسیدن وی به سن قانونی نایب السلطنه باشد.^(۲)

این اصل در هنگامی قابل اجرا بود که به هر دلیل اعم از مرگ شاه سلطنت به طور دائم به شخص ولیعهد واگذار می‌شد.

به موجب قسمت دوم اصل چهل و دوم متمم قانون اساسی مشروطه اصلاحی سال ۱۳۴۶^(۳)، شاه می‌توانست در موقع مسافرت و در غیاب خود شورایی برای اداره امور

۱. «در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که دارای بیست سال تمام شمسی باشد. اگر به این سن نرسیده باشد شهبانو مادر ولیعهد بلافاصله امور نیابت سلطنت را به عهده خواهد گرفت مگر این‌که از طرف پادشاه شخص دیگری به عنوان نایب السلطنه تعیین شده باشد. نایب السلطنه شورایی مرکب از نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین و رئیس دیوان عالی کشور و چهار نفر از اشخاص خبیر و بصیر کشور به انتخاب خود تشکیل و وظایف سلطنت را طبق قانون اساسی با مشاوری آن شورا انجام خواهد داد تا ولیعهد به سن بیست سال تمام برسد. در صورت فوت یا کناره‌گیری نایب السلطنه شورای مزبور موقتاً وظایف نیابت سلطنت را تا تعیین نایب السلطنه از طرف مجلسین از غیر خانواده قاجار انجام خواهد داد. ازدواج شهبانو نایب السلطنه در حکم کناره‌گیری است.»

۲. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد دوم، (تهران، نشر گفتار، چاپ سوم، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۸.

۳. «...پادشاه می‌تواند در موقع مسافرت و در غیاب خود شورایی برای اداره امور سلطنت انتخاب و یا

سلطنت انتخاب و یا نایب السلطنه تعیین کند که با مشاوره شورای مزبور امور سلطنت را موقتاً برای مدت مسافرت و در غیاب پادشاه انجام دهد. این اصل اختصاص به تفویض موقت وظیفه مقام سلطنت به شورای سلطنت یا نایب السلطنه داشت.

پیش از سال ۵۷ نیز در موارد متعددی به دلیل مسافرت شاه به خارج از کشور شورای سلطنت تشکیل شده بود.^(۱) البته در این موارد از جمله مسافرت شاه به آمریکا در آبان سال ۱۳۲۸^(۲) و فروردین سال ۱۳۴۱^(۳) اعضاء شورای سلطنت عمدتاً برخی از افراد خانواده شاه^(۴)، نخست وزیر، روسای مجلسین و وزیر دربار بودند.^(۵)

آخرین موردی که شاه اقدام به تأسیس شورای سلطنت نمود دیماه سال ۵۷ و در زمان اوج گرفتن انقلاب بود.^(۶) برخی با انتقاد نسبت به تعداد و ترکیب اعضای این شورا، آن را مغایر اصل ۳۸ متمم قانون اساسی دانستند^(۷) که اگر مبنای تشکیل این شورا را اصل ۳۸ متمم در نظر بگیریم این ایراد وارد است. ولی با توجه به اینکه اصل سی و هشتم مربوط به انتقال دائم سلطنت است، در این مورد قابل استناد نیست، بلکه مبنای قانونی شورای تشکیل شده در سال ۵۷ ذیل اصل ۴۲ متمم قانون اساسی بود. یعنی شاه در سال ۵۷، شورایی را برای اداره موقت امور کشور تشکیل داده بود نه اینکه قصد واگذاری دائم جایگاه سلطنت را داشته باشد.



نایب السلطنه تعیین کند که با مشاوره شورای مزبور امور سلطنت را موقتاً برای مدت مسافرت و در غیاب پادشاه انجام دهد.

۱. کیهان، ۵۷/۱۰/۲۳، ص ۵.

۲. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد اول، پیشین، ص ۴۲۸.

۳. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد دوم، پیشین، ص ۱۳۹.

۴. غلامرضا و عبدالرضا برادران شاه.

۵. کیهان، ۵۷/۱۰/۱۸، ص ۲.

۶. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۱۷، صفحه ۷.

۷. محیط طباطبایی، محمد، دشواری‌های قانونی در کار شورای نایب سلطنت، اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۷.

ص ۴.

تشکیل شورای سلطنت و تعیین اعضای آن

تشکیل شورای سلطنت در دوره دولت شریف امامی توسط علی امینی که مورد مشورت شاه بود پیشنهاد شد که شاه با آن مخالفت کرد. این پیشنهاد مجدداً در آبان و آذر ۵۷ توسط امینی مطرح شد که شاه پس از اعلام موافقت اولیه، آن را رد کرد. ولی بعد از تظاهرات تاسوعا و عاشورای ۵۷ و حضور گسترده مردم در تظاهرات علیه شاه، وی متمایل به تشکیل شورای سلطنت شد و از امینی درخواست کرد چند نفر غیر نظامی را برای عضویت در شورای سلطنتی معرفی نماید. امینی نیز موضوع را با روحانیون و مبارزان همراه امام (ره) از جمله شهید مطهری مطرح می‌نماید و شهید مطهری نیز بعد از مشورت، افراد زیر را برای عضویت شورای سلطنت معرفی می‌کند: محیط طباطبایی، دکتر یدالله سبحانی، دکتر علی‌آبادی، دکتر ایزدی و مهندس مهدمینا.^(۱) علاوه بر این افراد، اشخاص دیگری از جمله شهید آیت الله مطهری،^(۲) شهید آیت الله دکتر بهشتی، آیت الله شریعتمداری، اللهیار صالح، دکتر کریم سنجابی،^(۳) محمد سروری،^(۴) دکتر علی اکبر سیاسی،^(۵) دکتر علی امینی، دکتر غلامحسین صدیقی، محمد علی وارسته، مهندس مهدی بازرگان،^(۶) آیت الله محمد تقی قمی^(۷) و سید جلال الدین تهرانی^(۸) برای عضویت در شورای سلطنت مطرح بودند.

اکثر این افراد عضویت در شورای سلطنت را قبول نکردند.^(۹) علاوه بر اینکه بسیاری از انقلابیون به دلیل عدم مشروعیت شورای سلطنت عضویت در آن را نپذیرفتند، دلایل دیگری نیز برای عدم پذیرش عضویت در شورای سلطنت از سوی افراد مختلف بیان شد. مثلاً عضویت اعضای شورای انقلاب در شورای سلطنت با

۱. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، انتشارات قلم، چاپ ششم، ۱۳۶۸، ص ۱۲۱.
۲. طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی (شکل گیری انقلاب اسلامی ایران)، جلد سوم، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹.
۳. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، پیشین، ص ۱۲۲.
۴. بختیار، شاپور، سی و هفت روز پس از سی و هفت سال، بی نا، چاپ پنجم، بهمن ۱۳۶۲، ص ۴۷.
۵. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۴، صفحه ۸.
۶. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۰، صفحه ۸.
۷. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۷، صفحه ۸.
۸. بختیار، شاپور، یکرنگی، ترجمه: مهشید امیرشاهی، بی نا، ۲۰۰۶، ص ۱۰۴.
۹. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴.

مخالفت حضرت امام(ره) مواجه شد.^(۱)

شهید آیت الله دکتر بهشتی و آیت الله شریعتمداری نیز علی رغم اصرار علی امینی، عضویت در شورای سلطنتی را نپذیرفتند.^(۲)

محمد سروری به علت کهولت سن و ضعف قوای بدنی عضویت در شورای سلطنت را قبول نکرد،^(۳) دلیل الهیار صالح نیز برای عدم پذیرش عضویت در شورای سلطنت کهولت سن و خستگی بود. غلامحسین صدیقی نیز به دلیل اینکه معتقد به خروج شاه از کشور نبود عضویت در شورای سلطنت را نپذیرفت. علی امینی با این استدلال که می خواهد به عنوان یک شخص بی طرف حالت میانجی و رابط بین گروه های مختلف را ایفا کند عضویت در شورای سلطنت را قبول نکرد.^(۴) دکتر علی آبادی نیز ابتدا عضویت در شورای سلطنت را نپذیرفت ولی با اصرار شهید مطهری و دانستن اینکه حضرت امام(ره) با عضویت ایشان در شورای سلطنت موافق است، عضویت در شورا را می پذیرد.^(۵)

در انتخاب اعضای حقیقی شورای سلطنت سعی بر این بود افرادی انتخاب شوند که پس از خرداد ۱۳۴۲ مسئولیت دولتی نداشته باشند.^(۶) نیروهای انقلابی نیز سعی کردند که افرادی را برای عضویت در شورای سلطنت پیشنهاد دهند تا هم از موضوعات مطرح شده در شورای سلطنت آگاهی پیدا کنند و در صورت لزوم اقداماتی را که شورای انقلاب تعیین می کند انجام دهند^(۷) و هم در صورتی که نیاز باشد از عضویت در شورای سلطنت استعفاء دهند.^(۸) از جمله این افراد دکتر علی آبادی بود که همان زمان پذیرش عضویت در شورا، استعفاء خود را از شورای سلطنت تهیه کرد

۱. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، پیشین، ص ۱۲۱.

۲. قاسم پور، داود، دهه ی سرنوشت ساز، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۷۴.

۳. بختیار، شاپور، سی و هفت روز پس از سی و هفت سال، پیشین، ص ۴۷.

۴. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۳، صفحه ۷.

۵. امین، حسن، دکتر عبدالحسین علی آبادی، دادستان کل کشور در رژیم پهلوی، (حافظ، شماره ۳۹، فروردین ۱۳۸۶ فروردین ۱۳۸۶ صص ۵۵ تا ۵۴)، ص ۵۴.

۶. استمپل، جان، دی، درون انقلاب ایران، ترجمه: منوچهر شجاعی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۲۱۴ و اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۳، صفحه ۷.

۷. طباطبایی، صادق، پیشین، ص ۱۴۹.

۸. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، پیشین، ص ۱۲۳.

و به شهید مطهری تحویل داد تا در زمان مقتضی اعلام شود.^(۱) آقایان وارسته و انتظام نیز که با مشورت شورای انقلاب در شورای سلطنت وارد شده بودند استعفای خود را قبل از عضویت در شورای سلطنت از طریق آیت الله موسوی اردبیلی به شورای انقلاب داده بودند.^(۲)

البته مطلوب شاه این بود که شورای سلطنت به ریاست بختیار و عضویت دو یا سه نفر از اعضای کابینه تشکیل شود. از نظر وی ارتشبد قره باغی و یک نفر به نمایندگی از گروه‌های مذهبی^(۳) نیز باید عضو شورای مذکور می‌شدند.^(۴)

طرحی دیگر نیز برای تشکیل شورای سلطنت ارائه شده بود که بر مبنای آن شاه قدرت را به یک شورای سلطنت مرکب از وفاداران به شاه، رهبران مخالفان و دو یا سه نفر از شخصیت‌هایی که مورد تأیید این دو گروه باشند واگذار کرده و کشور را ترک کند. همچنین طرح دیگری نیز پیشنهاد شده بود که دو نفر از فرماندهان مشاغل نظامی و یک یا دو نفر از افسران ارشد بازنشسته نیروهای مسلح (مثلاً دریادار احمد مدنی، ارتشبد فریدون جم و سپهبد نادر باتمانقلیچ) نماینده مخالفین در شورای سلطنت باشند.^(۵)

بر اساس طرحی دیگر که مطرح شده بود شورای سلطنتی از کریم سنجابی، عبدالله انتظام و منوچهر سالور تشکیل می‌شد که باید پس از تشکیل مسئولیت‌هایی را که در قانون اساسی برای شاه مقرر شده است بر عهده بگیرد.^(۶) بر اساس نقلی دیگر، پیشنهاد شد شورای سلطنتی از یک نظامی به انتخاب شاه، علی امینی، شهید بهشتی و آقای نزیه و همسر شاه تشکیل شود، با این قید که در مواقع تساوی آراء رأی همسر شاه تعیین کننده باشد.^(۷) در طرحی دیگر اعضای شورای سلطنت که باید توسط شاه تعیین شوند عبارت بودند از چهار فرد غیر نظامی و سه نظامی. بر اساس این طرح غیر

۱. امین، حسن، پیشین، ص ۵۴. البته وی بعد از انقلاب به دلیل عضویت در شورای سلطنت بازداشت می‌شود که با وساطت شهید مطهری آزاد می‌شود.

۲. طباطبایی، صادق، پیشین، ص ۱۴۸.

۳. انتخاب ارتشبد قره باغی به پیشنهاد ژنرال هایزر و سولیوان و به دلیل ایجاد ارتباط بین ارتش و دولت بود. هایزر، رابرت، مأموریت در تهران، ترجمه: علی رشیدی، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۴، ص ۷۵.

۴. همان، صص ۸۰-۷۹.

۵. استمپل، جان. دی، پیشین، ص ۲۲۲.

۶. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۲، ص ۶۹۱. (سند شماره ۶۵۸۰)

۷. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱، ص ۴۹۴. (سند شماره ۴۵۱۰)

نظامیان شامل نمایندگان احزاب سیاسی، نخست وزیر و رئیس مجلس و نظامی ها هم شامل افرادی مانند جم، گارزان، مدنی و اخوی بودند.^(۱)

۲۳ دیماه ۵۷ ترکیب زیر که متشکل از برخی مقامات و شخصیت های کشوری بود توسط رسانه ها برای شورای سلطنت اعلام شد: شاهپور بختیار (نخست وزیر)، جواد سعید (رئیس مجلس شورای ملی)، محمد سجادی (رئیس مجلس سنا)، عباس قره-باغی (رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران) که با توجه به سمتشان عضو شورای سلطنت شدند و سید جلال الدین تهرانی، علی اکبر سیاسی و محمدعلی وارسته که عضو حقیقی شورا بودند.^(۲)

با توجه به عدم پذیرش عضویت در شورا توسط علی اکبر سیاسی^(۳)، در نهایت در روز ۲۴ دیماه ۱۳۵۷ اعضای شورای سلطنت با تغییراتی نسبت فهرست منتشر شده توسط رسانه ها به صورت رسمی به شرح زیر اعلام شدند: شاهپور بختیار (نخست وزیر)، محمد سجادی (رئیس مجلس سنا)، جواد سعید (رئیس مجلس شورای ملی)، علیقلی اردلان (وزیر دربار)، عباس قره باغی (رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران) که با توجه به سمتشان عضو شورای سلطنت شدند و عبدالحسین علی آبادی (دادستان سابق)، محمد علی وارسته (وزیر دارائی اسبق)، سید جلال الدین تهرانی (سناتور سابق) و عبدالله انتظام (رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران) که به عنوان اعضاء حقیقی به عضویت شورای سلطنت منصوب شده بودند.^(۴)

به علاوه، عنوان قانونی آن نیز مورد بحث بود و علاوه بر عنوان شورای سلطنت، از عناوین شورای نیابت سلطنت، شورای اداره امور کشور^(۵) و شورای عالی دولتی^(۶) نیز برای این شورا استفاده شده است.

۱. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳، ص ۲۵۶. (سند شماره ۳۷)

۲. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۳، صفحه ۷.

۳. نجاتی، غلامرضا، تاریخ بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ ششم، ۱۳۷۹، جلد دوم، ص ۳۱۰.

۴. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۳، صفحه ۷.

۵. اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۴، صفحه ۸.

۶. سنجابی، کریم، امیدها و ناامیدی ها، لندن، انتشارات جبهه ملیون، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۳۰۹.

موضع حضرت امام خمینی (ره) در رابطه با شورای سلطنت

امام خمینی (ره) در رابطه با شورای سلطنت از هنگامی که زمزمه هایی برای ایجاد آن وجود داشت تا زمانی که این شورا تشکیل شد موضع گیری نموده و شورای سلطنت را غیر قانونی اعلام کردند.

ایشان در دوم آبان ۵۷ در سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج، پیشنهاد تفویض سلطنت به شورای نیابت سلطنت و یا نائب السلطنه را پیشنهادی جهت کنترل و مدیریت انقلاب دانسته و غیر قابل قبول اعلام کردند.^(۱) ایشان بار دیگر در سخنرانی ۲۲ آبان در دیدار با دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج این امر را مورد تأکید قرار داده و مخالفت خود را با تفویض سلطنت به نایب السلطنه و تشکیل شورای نیابت سلطنت اعلام نمودند.^(۲) علاوه بر این موارد، حضرت امام (ره) در دیدار با نمایندگان رئیس جمهور فرانسه شورای سلطنت را مغایر با قانون اساسی دانستند.^(۳)

۱. «کدام آدم، کدام عقل این مطلب را اجازه می‌دهد که ما یک دشمن سرسخت یک ملتی را رساندیم تا آنجایی که دارد حالا خاضع می‌شود و دارد گورش را گم می‌کند برود، ما حالا مهلتش بدهیم که بعدها، بعدها یک قدمی برداریم؟ ... حالا ما بگوییم که خیر، ما این قدم اولمان که برداریم که ایشان حالا سلطان باشد و یا این برود و فرح خانم سلطان مملکت ما بشود و شورای مملکتی، شورای سلطنتی پیدا بشود و بعدش، آن وقت بیایم قدم دوم بگوییم: نه، او هم باشد! آقا، همین حالا باید این کار را کرد. این اشتباه است. همین حالا، همین حالا باید این ملت تا اینجا که رسانده، حرکت بدهد و همین طوری که مثل سیل دارد پایه‌ها را یکی بعد از دیگری می‌ریزد، همه پایه‌ها را بریزد تا این برود، این خیانتکار برود؛ ...» خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، جلد چهارم، (تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۷۹)، صص ۱۳۰-۱۲۹.

۲. «... یک مطلب دیگر هم هست که خوب ایشان نباشند، ایشان بروند، و بعد آقازاده ایشان بیایند و عیال محترم ایشان بیایند و شورای سلطنتی تشکیل بشود و اداره بکنند! آنها که کاری نکرده‌اند دیگر، آنها دیگر خوب و صحیح هستند! ملت ایران نمی‌تواند این را بپذیرد. یک ملتی که از یک شخصی این همه رنج برده و از پدرش آن همه رنج برده است، آن همه خیانت دیده است، خوب این احتمال را می‌دهد که این پسر هم پسر همان پدر است؛ چنانچه این پدر هم پسر همان پدر بود و از خطاهای ملت ما این بود که گذاشتند این پسر بعد از آن پدر بیاید سلطنت کند.» همان، ص ۴۸۹.

۳. «...ملت ما حاضر نیست که تمام خونها هدر برود و شاه به سلطنت باقی باشد، یا برود و بدتر از اول برگردد؛ و نه حاضر است که شورای سلطنت را قبول کند؛ و آن هم بر خلاف قانون اساسی است،...» خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها،

ایشان پس از تشکیل شورای سلطنت و اعلام اعضای آن نیز در پیام خود که در ۲۵ دیماه ۱۳۵۷ به مناسبت اربعین صادر نمودند شورای سلطنت و عضویت در آن را غیر قانونی دانستند. حضرت امام(ره) در بند (۷) این پیام اعلام کردند: «از دانشگاهیان محترم انتظار دارم اکنون که دانشگاه‌ها این درّهای مبارزات دانشجویان فداکار را باز کرده‌اند، به شعارهای ضد رژیم فاسد و تظاهرات علیه دولت غاصب و شاه و علیه شورای غیر قانونی سلطنتی ادامه دهند...» همچنین در بند (۸) این پیام بیان شده بود: «به کسانی که در شورای سلطنتی غیر قانونی به عنوان عضویت داخل شده‌اند اخطار می‌کنم که این عمل، غیر قانونی و دخالت آنان در مقدرات کشور جرم است، و بی‌درنگ از این شورا کناره‌گیری کنند، و در صورت تخلف مسئول پشامدها هستند.» ایشان در این پیام بیان کرده بودند که «ملت بزرگ در سراسر ایران با راهپیمایی و تظاهرات خود این نظام را دفن می‌کند، و مخالفت خود را با «شورای سلطنت» غیر قانونی اعلام می‌نماید، و پشتیبانی خود را برای چندمین بار از «جمهوری اسلامی» اعلام می‌کند.»^(۱)

حضرت امام^(ره) پذیرش رئیس شورای سلطنت را نیز که برای دیدار با ایشان به پاریس رفته بود منوط به استعفای وی از شورای سلطنت و غیر قانونی اعلام نمودن آن کردند. ایشان در ۲۹ دیماه ۵۷ در پاسخ خبرنگاری که درباره دیدار رئیس شورای سلطنت با ایشان سوال کرد فرمودند: «من تماسی با شورای سلطنت نمی‌توانم داشته باشم. ایشان از من تقاضای ملاقات کرد و گفتم به ایشان تذکر بدهند که تا شما استعفا



احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، جلد پنجم، پیشین، ص ۳۷۶. همین موضوع را امام (ره) در دیدار دیگری که با نمایندگان دولت فرانسه داشتند بیان نمودند: «مکرر گفته‌ایم که ما و ملت، تحمل شورای سلطنت و شاه را نخواهیم کرد. تمامی بدبختیهای ما، از شاه و رژیم سلطنت است. بختیار هم مثل اسلافش چند روزی خواهد بود و کنار خواهد رفت» همان، ص ۳۱۰ و همچنین ایشان در پاسخ به خبرنگاری که سوال کرد: «[آیا شورای سلطنت مورد قبول شماست؟] پاسخ دادند: خیر، مورد قبول ملت نیست.» همان، ص ۳۴۰ و ص ۴۱۹.

۱. همان، صص ۴۷۹-۴۷۸. پس از اعلام پیام فوق یکی از بندهای قطعنامه پایانی راهپیمایی روز اربعین در این رابطه بیان می‌داشت: «۱۰- ما از کسانی که در شورای سلطنتی غیر قانونی به عنوان عضویت داخل شده‌اند می‌خواهیم که غیر قانونی بودن سمت خود را اعلام کنند و بدانند که از نظر ملت همه مسئولیت‌های کشور باید در دست شورای انقلاب اسلامی باشد که امام خمینی^(ره) تعیین خواهند کرد.» روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۰/۳۰، ص ۸.

ندهید از شورای غیر قانونی سلطنت، و تا اینکه اعلام نکنید که این استعفا برای این است که قانونی نیست، من با شما ملاقات نخواهم کرد.^(۱)

یکی از مهمترین دلایلی که حضرت امام (ره) شورای سلطنتی را غیر قانونی اعلام نمودند و هر گونه تعامل با آن را رد می کردند این بود که تعامل با شورای سلطنتی ایجاد شده توسط شاه به این معنا بود که مشروعیت شاه توسط حضرت امام (ره) مورد پذیرش قرار گرفته است. ایشان در این رابطه می فرمایند: «...من که در پاریس بودم، می آمدند آنجا پیغام می دادند، خودشان می آمدند که بگذارید که این شورای سلطنتی باقی باشد، و روی شورای سلطنتی یک کارهایی بکنید، و بعد ما کارهایی بکنیم و بعد چه؟ خوب، من می دانستم که اینها یا نمی فهمند مطلب را؛ یا مقصدشان این است که همان مسائل حفظ بشود. شورای سلطنتی را ما فرض کنید قبول کنیم، معنایش این است که سلطنت را قبول کردیم. و آلا شورای سلطنتی با شاه است، هر وقتی بخواهد کنارش می گذارد. این معنایش این است که ما خود شاه را قبول داریم. می آمدند بعضی از همین روشنفکرها و بعضی از همین اشخاصی که حالا انقلابی شدند، همینها می آمدند می خواستند ما را اغفال کنند- یا خودشان هم نمی فهمیدند- که شما کاری بکنید که این شورای سلطنتی باقی باشد. در صورتی که آن که رئیس شورای سلطنتی بود آمد پاریس، من گفتم تا استعفا نکردی من با تو ملاقات هم نمی کنم، استعفا هم کرد او...»^(۲)

با توجه به اینکه حضرت امام (ره) در موقعیتهای مختلف، انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی و اقدامات شاه را غیر قانونی اعلام کرده بودند و سلطنت شاه را غیر قانونی می دانستند، پذیرش شورای سلطنت و تعامل با آن به این معنا بود که تشکیل این شورا توسط شاه مشروع بوده است و این امر به معنای تأیید مشروعیت شاه محسوب می شد. بر این اساس حضرت امام (ره) به صورت مکرر بر غیر قانونی بودن شورای سلطنت تأکید داشتند.

۱. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، جلد پنجم، پیشین، ص ۴۹۸.

۲. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، جلد دهم، پیشین، ص ۴۰۹.

هدف شورای سلطنت

هر چند که در ظاهر هدف از تشکیل شورای سلطنت تصدی و ظایف مقام سلطنت در زمان مسافرت شاه بود، ولی علاوه بر این هدف یکی از مهمترین اهداف تشکیل شورای سلطنت فرو نشانیدن اعتراض‌های شهروندان و ایجاد رابطه با امام خمینی (ره) و انقلابیون بود.^(۱) البته طرح‌هایی هم در رابطه با انتقال مسالمت آمیز قدرت از طریق شورای سلطنت مطرح شده بود.

از جمله این طرح‌ها طرحی بود^(۲) که بر اساس آن برخی از انقلابیون عضو شورای سلطنت می‌شدند، شورای سلطنت نخست وزیر را عزل کرده و مجلس شورای ملی را منحل می‌کرد و پس از آن فرد مورد نظر امام (ره) را به عنوان نخست وزیر تعیین می‌کرد.^(۳) در روایتی دیگر گفته شده که پیشنهاد شده بود شورای سلطنت پس از تشکیل، نام خود را به شورای ملی تغییر داده و مجلسین را منحل کند. سپس نخست وزیر را عزل کرده و فرد مورد نظر امام (ره) را به عنوان نخست وزیر انتخاب نماید. پس از انجام این امور انحلال خود را اعلام نماید. این طرح توسط انقلابیون مورد پذیرش قرار گرفته بود^(۴) و برای اعلام نظر با امام (ره) مطرح شد که ایشان طرح مذکور را به دلیل اینکه مشروعیت بخشی به شاه و نهاد ایجاد شده توسط وی بود نپذیرفتند.^(۵) همانگونه که بیان شد پذیرش این پیشنهاد در حقیقت به منزله پذیرش مشروعیت شاه توسط امام (ره) بود و به نحوی مشروعیت اهداف و ادعاهای انقلاب و رهبران آن را که بر عدم مشروعیت شاه و اعمال قدرت توسط وی بنا نهاده شده بود زیر سوال می‌برد.

۱. بختیار، شاپور، یکرنگی، ترجمه: مهشید امیرشاهی، بی نا، ۲۰۰۶، ص ۱۰۴.

۲. یزدی، ابراهیم، شصت سال صبوری و شکوری، جلد سوم، بی نا، پاییز ۱۳۹۰، ص ۶۸۵.

۳. طباطبایی، صادق، پیشین، ص ۱۴۸.

۴. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، پیشین، صص ۱۲۶-۱۲۵.

۵. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، جلد دهم، پیشین، ص ۴۰۹.

عملکرد شورای سلطنت

با توجه به اینکه شورای سلطنت تمامی وظایف مقام سلطنت را بر عهده داشت، باید برای اداره امور کشور به طور مداوم جلسه می گذاشت و نخست وزیر برنامه خود را جهت اداره وضعیت کشور برای اعلام نظر اعضای شورا مطرح می کرد، ولی به دلیل عدم تمایل بختیار به تشکیل جلسات شورای سلطنت^(۱) این شورا در طول فعالیت خود تنها سه جلسه برگزار کرد.

اولین جلسه شورای سلطنت روز یکشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۵۷ در حضور شاه تشکیل شد. در این جلسه موضوع رأی اعتماد مجلسین به دولت و زمان مسافرت شاه به خارج از کشور مورد بحث قرار گرفت و مقرر شد شاه پس از گرفتن رأی اعتماد توسط دولت که روز دوشنبه ۲۵ دیماه توسط مجلس سنا و روز سه شنبه ۲۶ دیماه توسط مجلس شورای ملی داده خواهد شد در روز چهارشنبه ۲۷ دیماه ۱۳۵۷ از کشور خارج شود.^(۲)

در همین جلسه شورای سلطنت سید جلال الدین تهرانی را به عنوان رئیس خود برگزید.^(۳) هدف از عضویت تهرانی در شورای سلطنت و ریاست وی بر آن این بود که به دلیل سابقه وی در حمایت از امام خمینی(ره) زمینه ایجاد رابطه با امام خمینی(ره) و انقلابیون فراهم شود.^(۴)

جلسات دوم و سوم شورا به درخواست قره باغی تشکیل شد. جلسه دوم به منظور اطلاع اعضای شورا از وضعیت کشور و برنامه دولت در رابطه با مدیریت شرایط بحرانی بود که بختیار نسبت به اقدام آقای تهرانی در ملاقات با حضرت امام(ره) و نقش این امر در کنترل انقلاب ابراز امیدواری کرد و جلسه به دلیل رفتن نخست وزیر به جلسه هیأت دولت بدون نتیجه مشخصی پایان یافت.^(۵)

۱. قره باغی، عباس، اعترافات ژنرال، - خاطرات ارتشبد عباس قره باغی آخرین رئیس ستاد بزرگ ارتشداران و عضو شورای سلطنت (مرداد- بهمن ۵۷)، تهران، نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۶۶، صص ۲۲۰-۲۱۹.

۲. همان، صص ۱۷۳-۱۷۱.

۳. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، پیشین، ص ۱۲۹.

۴. بختیار، شاپور، یکرنگی، پیشین، ص ۱۰۴.

۵. قره باغی، عباس، پیشین، ص ۲۲۰.

جلسه آخر شورای سلطنت نیز با درخواست ارتشبد قره باغی تشکیل می‌شود. علت تشکیل این جلسه تعیین نائب رئیس شورای سلطنت بود، چرا که شاه در موقع خروج از کشور بر خلاف رویه اختیارات معمول را به رئیس ستاد ارتش نداده بود که وی بتواند به موجب آن فرامین ارتش را امضاء نماید. با توجه به اینکه رئیس شورای سلطنت استعفاء داده بود باید فرد دیگری این کار را انجام می‌داد. علی‌رغم اینکه نخست وزیر خود را برای این امر دارای صلاحیت می‌دانست ولی شورای سلطنت با این امر موافقت نکرد و مقرر شد آقای وارسته از طرف رئیس شورای سلطنت این وظیفه را انجام دهد. به همین ترتیب نیز اقدام شد و فرامین ارتش توسط آقای وارسته امضاء می‌شد.^(۱) در این جلسه برخی از اعضا برای یافتن راهکار کنترل شرایط موجود پیشنهاد مذاکره با سفرای کشورهای آمریکا، انگلیس و شوروی^(۲) را دادند و بختیار نیز راهکارهای موجود برای کنترل شرایط را برگزاری رفراندوم برای کسب نظر مردم و یا تغییر برخی اصول قانون اساسی دانست.^(۳) البته تنها نتیجه این جلسه تعیین آقای وارسته به عنوان نائب رئیس شورا بود.

بعد از این جلسه شورای سلطنت، جلسه دیگری تشکیل نشد و مشروح مذاکرات شورا هم در هیچ کجا ثبت نشد.^(۴)

در همین دوره دو قانون «مربوط به نحوه تعقیب نخست وزیران و وزیران و طرز تشکیل هیأت منصفه» و «انحلال سازمان اطلاعات و امنیت کشور» در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۷ به تصویب مجلس شورای ملی و در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۱ به تصویب مجلس سنا رسید و توسط محمدعلی وارسته توشیح شد.^(۵)

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. سجادی و اردلان.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. همان، ص ۲۲۴.

۵. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد دوم، پیشین، ص ۴۱۳.

انحلال شورای سلطنت

دو روز بعد از خروج شاه از کشور یعنی ۲۸ دی ۱۳۵۷ رئیس شورای سلطنت آقای سید جلال الدین تهرانی برای دیدار با حضرت امام (ره) به پاریس رفت و در ۳۰ دیماه درخواست ملاقات با حضرت امام (ره) را نمود. گفته شده که هدف از این دیدار مذاکره با امام (ره) و ترساندن ایشان از خطر کمونیست‌ها و بر همین اساس مجاب کردن ایشان برای همکاری با دولت بختیار و ارتش بود.^(۱)

حضرت امام (ره) دیدار با ایشان را منوط به استعفاء از شورای سلطنت و تصریح به غیر قانونی بودن آن نمودند^(۲) که وی نیز بر همین اساس استعفای خود را نوشت و برای امام (ره) ارسال نمود اما در آن به غیر قانونی بودن شورای سلطنت تصریح نشده بود.^(۳) این متن به دلیل عدم تصریح بر غیر قانونی بودن شورای سلطنت مورد پذیرش حضرت امام (ره) قرار نگرفت. وی دلیل این امر را ایرادی دانسته بود که به او خواهند گرفت که اگر شورای سلطنتی غیر قانونی بوده چرا عضویت در آن را پذیرفته‌ای که برای رفع این ایراد مقرر شد در متن استعفاء اینگونه بیاید که با توجه به فتوای حضرت امام (ره) مبنی بر غیر قانونی بودن عضویت در شورای سلطنت آن را غیر قانونی دانسته و استعفاء می‌دهد.^(۴)

۱. هایزر، رابرت، پیشین، ص ۱۵۲.

۲. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، جلد پنجم، پیشین، ص ۴۹۸.

۳. متن استعفای وی اینگونه بود:

«یکشنبه اول بهمن ۱۳۵۷ هجری شمسی مطابق با ۲۲ صفر المظفر ۱۳۹۹ هجری شمسی قبول ریاست شورای سلطنت ایران از طرف اینجانب فقط برای حفظ مصالح مملکت و امکان تأمین آرامش احتمالی آن بود، ولی شورای سلطنت به سبب مسافرت اینجانب به پاریس، که برای نیل به هدف اصلی بود تشکیل نگردید. در این فاصله اوضاع داخلی ایران سریعاً تغییر یافت. به طوری که برای احترام به افکار عمومی مصلحت در آن بود که کناره‌گیری کنم و کناره‌گیری کردم.

از خداوند و اجداد طاهرین و ارواح مقدسه اولیاء اسلام مسئلت دارم که مملکت و ملت مسلمان ایران را در ظل عنایات حضرت امام‌عصر عجل‌الله تعالی فرجه از هر گزند مصون داشته و استقلال وطن عزیز ما را محفوظ فرمایند. محمدالحسینی سیدجلال‌الدین تهرانی «یزدی، ابراهیم، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، پیشین، ص ۱۳۱.

۴. طباطبایی، صادق، پیشین، ص ۱۴۸.

بر همین اساس نیز متن استعفاء توسط وی اصلاح شد و به صورت رسمی در ۲ بهمن تقدیم حضرت امام(ره) شد.^(۱)

پس از استعفای رئیس شورای سلطنت، استعفای آقای علی آبادی که در هنگام پذیرش عضویت در شورا صورت گرفته بود اعلام رسمی شد.^(۲) آقای وارسته^(۳) و انتظام هم که قبلاً استعفای خود را به شورای انقلاب تقدیم کرده بودند.^(۴) البته بختیار در جلسه شورای عالی امنیت ملی در ۴ بهمن ۱۳۵۷ بیان می‌دارد که در جلسه شورای سلطنت که امروز برگزار شد کلیه اعضا به استثناء سید جلال الدین تهرانی حضور داشتند.^(۵) توشیح قوانین مصوبه روز ۲۱ بهمن توسط وارسته نیز بیانگر این است که تا این روز استعفای آنها رسماً اعلام نشده است.

رئیس مجلس شورای ملی در روز ۲۳ بهمن ۵۷ ضمن اعلام استعفای نمایندگان از عضویت در شورای سلطنت استعفاء داد و با انحلال مجلس سنا عضویت رئیس آن در شورای سلطنت نیز متفی شد.^(۶) بر این اساس پس از این اتفاقات عمر شورای سلطنت به پایان رسید.

۱. «یکشنبه اول بهمن ۱۳۵۷ هجری شمسی مطابق با ۲۲ صفرالمظفر ۱۳۹۹ هجری شمسی

قبول ریاست شورای سلطنت ایران از طرف اینجانب فقط برای حفظ مصالح مملکت و امکان تأمین آرامش احتمالی آن بود، ولی شورای سلطنت به سبب مسافرت اینجانب به پاریس، که برای نیل به هدف اصلی بود تشکیل نگردید. در این فاصله اوضاع داخلی ایران سریعاً تغییر یافت. طوری که برای احترام به افکار عمومی با توجه به فتوای حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی دامت برکاته مبنی بر غیرقانونی بودن آن شورا، آن را غیرقانونی دانسته کناره‌گیری کردم. از خداوند و اجداد طاهرین و ارواح مقدسه اولیاء اسلام مسئلت دارم که مملکت و ملت مسلمان ایران را در ظل عنایات حضرت امام‌عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه، از هر گزند مصون داشته و استقلال وطن عزیز ما را محفوظ فرماید. محمدالحسینی سیدجلال‌الدین تهرانی.» اطلاعات، ۵۷/۱۱/۳، صفحه ۸.

۲. اطلاعات، ۵۷/۱۱/۱۲، صفحه ۸.

۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، کارنامه و خاطرات سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، انقلاب و پیروزی، (به اهتمام عباس بشیری)، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۵۳.

۴. طباطبایی، صادق، پیشین، ص ۱۴۸.

۵. علی اکبری بایگی، علی اکبر و عباسعلی صیاد بایگی(تدوین)، صورت جلسه‌های شورای عالی امنیت ملی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، صص ۲۴۹-۲۴۸.

۶. اطلاعات، ۵۷/۱۱/۲۳، صفحه ۳.

جمع بندی

یکی از آخرین تلاش‌های شاه در واپسین روزهای حکومت خود تشکیل شورای سلطنت و خروج از کشور بود. شاه با تشکیل این شورا قصد داشت که اقدام به کنترل و مدیریت انقلاب نماید و با انتصاب برخی از افراد میانه رو و بی طرف به عنوان عضو شورای سلطنت و سپردن ریاست آن به فردی که سابقه آشنایی با حضرت امام خمینی(ره) و حمایت از ایشان را داشت، زمینه را برای مذاکره و مصالحه با نیروهای انقلابی فراهم نماید. البته شورای سلطنت نتوانست در این راه موفق باشد؛ چراکه اولاً غالب افرادی که برای عضویت در شورای سلطنت در نظر گرفته شده و عضویت در این شورا به آنها پیشنهاد شده بود، عضویت در شورا را نپذیرفتند، ثانیاً افرادی که به عنوان شخص حقیقی عضویت در شورا را پذیرفتند در هنگام پذیرش و یا پس از عضویت در آن استعفاء خود را از عضویت در شورا اعلام کردند.

شورا در دوره فعالیت خود سه جلسه بیشتر تشکیل نداد و شاید مهمترین تصمیمی که گرفت تعیین آقای وارسته به عنوان جانشین رئیس شورای سلطنت بود تا بتواند اقدام به توشیح فرامین و قوانین نماید که دو قانونی که به عنوان آخرین قوانین مصوب قبل از انقلاب به تصویب رسیدند به وسیله وی توشیح شدند.

حضرت امام(ره) چه پیش از تشکیل شورای مذکور و چه پس از تشکیل آن با تصریح بر غیر قانونی بودن تشکیل شورا و عضویت در آن مشروعیتی برای این شورا قائل نبودند و اعضای آن را ملزم به خروج از این نهاد غیر قانونی می‌دانستند.

هرچند که با توجه به اعلام رسمی استعفا یا فرار اعضای شورای سلطنت در روز ۲۳ بهمن ۵۷ این شورا عملاً منحل شد، ولی با توجه به اینکه شاه به عنوان مؤسس این شورا خود مشروعیتی در تصدی مقام سلطنت نداشت و بر این اساس نمی‌توانست نسبت به تفویض وظایف این مقام به مرجع دیگری تصمیم‌گیری نماید و حضرت امام(ره) نیز مکرر بر این موضوع و عدم مشروعیت شاه و شورای سلطنت تأکید داشتند، این شورا از ابتدای تأسیس فاقد مشروعیت بود.

منابع و مآخذ

۱. ازغندی، علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲.
۲. استمپل، جان. دی، درون انقلاب ایران، ترجمه: منوچهر شجاعی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۳. امین، حسن، دکتر عبدالحسین علی آبادی، دادستان کل کشور در رژیم پهلوی، حافظ، شماره ۳۹، فروردین ۱۳۸۶ فروردین ۱۳۸۶ صص ۵۵ تا ۵۴.
۴. بختیار، شاپور، سی و هفت روز پس از سی و هفت سال، بی نا، چاپ پنجم، بهمن ۱۳۶۲.
۵. -----، یکرنگی، ترجمه: مهشید امیرشاهی، بی نا، ۲۰۰۶.
۶. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، بی تا، بی نا.
۷. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، جلد‌های چهارم، پنجم و دهم، (تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۷۹).
۸. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، <http://basij.aut.ac.ir/revolution/>
۹. سنجابی، کریم، امیدها و ناامیدی‌ها، لندن، انتشارات جبهه ملیون، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۰. طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی- اجتماعی دکتر صادق طباطبایی (شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران)، جلد سوم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۱. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد‌های اول و دوم، تهران، نشر گفتار، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۱۲. علی اکبری بایگی، علی اکبر و عباسعلی صیاد بایگی (تدوین)، صورت جلسه‌های شورای عالی امنیت ملی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

۱۳. قاسم پور، داود، دهه‌ی سرنوشت ساز، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۴. قره باغی، عباس، اعترافات ژنرال، خاطرات ارتشبد عباس قره باغی آخرین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران و عضو شورای سلطنت (مرداد- بهمن ۵۷)، تهران، نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۶۶.
۱۵. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۱۶. محیط طباطبایی، محمد، دشواری‌های قانونی در کار شورای نیابت سلطنت، اطلاعات، ۵۷/۱۰/۲۷.
۱۷. نجاتی، غلامرضا، تاریخ بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ ششم، ۱۳۷۹، جلد دوم.
۱۸. نوریان، عبدالحسن، ناپایداری کابینه‌ها در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، کارنامه و خاطرات سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸، انقلاب و پیروزی، (به اهتمام عباس بشیری)، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، چ اول، ۱۳۸۳.
۲۰. هایزر، رابرت، مأموریت در تهران، ترجمه: علی رشیدی، اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۲۱. یزدی، ابراهیم، آخرین تلاشها در آخرین روزها، انتشارات قلم، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۲۲. -----، شصت سال صبری و شکوری، جلد سوم، بی نا، پاییز ۱۳۹۰.
۲۳. روزنامه‌های کیهان و اطلاعات

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir